



### ارانی بذر زرین بر فراز کشوری افشاند

ارانی بذر زرین بر فراز کشوری افشاند. ارانی رفت. پلش کشتاری گشت پر حاصل بزندان روح بر طغیان و طارش، نشد مدفون. بزیر سنگ سرد گور افکارش نشد مدفون. ارانی در سرود و در سخن، بگشود راه خود کتون در هر سوئی پرچم گشاید با سپاه خود بسرد از یک شقایق زیر پای وحش ناسیون شقایق زار شد ایران برغم ترسها، شکها در آمد عصر رستاخیز مردم، قهرمان خیزد از این خاک کی که پرورده است مزدکها و بابکها

بر این خاک کی که ایرانست نامش بانگ انسانی دمی یش نهیب شوم اهریمن نشد خامش در این کشور اگر چارها بودند مردمکش از آنها بیشتر؛ گردان انسان دوست جیبندند به ناخن خاره بیداد را بی باک سنیدند فرزندان مشعل اندر دست، آوای طلب بر لب بذر هائی یورش بردند کش بنیان بدروخ بود به موج خون فرورفتند، لیکن فوج بی باکان تیرسید از سید زشتان، نیچید از ره بساکان

ارانی گفت: «درشلی که آن جشنیه تاریخ است مشو زان قطره ها کاندر لجن ها بر کران مانند بشو ز امواج جوشانی که دائم در میان مانند.»

### سخن ارانی

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود با اندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد.

قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده بود.

آیا عرض قانون اساسی از آزادی عقائد همین قدغن کردن کلیه عقائد بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

# ماهی نامه مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران

### درباره انتخابات و مبارزه انتخاباتی

مرحله انتخاباتی جدیدی تدارک میشود - در باره آئین نامه جدید انتخابات - اعتراضات شاه در کتاب «انقلاب سفید» درباره سیستم پارلمانی ایران اصلاح در قانون انتخابات ضرور است وظایف نیروهای ملی و دموکراتیک در قبال انتخابات آینده

نوطه انتخاباتی دوره انتخاباتی چهار ساله و بیست و جدیدی تدارک میشود یکمین دوره مجلس شورای در سال ۱۳۴۶ که بزودی فرا میرسد پایان خواهد یافت. گرچه هنوز فرمان انتخابات جدید صادر نشده ولی از هم اکنون دسته بندیهای انتخاباتی و مقدمات صحنه سازی انتخابات آغاز گردیده است. از روی طبیعه انتخابات میتوان با یقین گفت که شاه و حکومت او میخواهند بازی «انتخابات آزاد» و «حزبی» گذشته را با آب و رنگ تازه ای تکرار کنند و طبق آئین نامه جدید و اصلاحاتی که در قانون انتخابات بعمل آورده اند نمایندگان آزاد مردان و آزاد زنان را در یک مجلس «حزبی» برای مدت چهار سال بکرسی نمایندگی بنشانند. روزنامه ها از آغاز «مبارزه» انتخاباتی بین دو حزب «مردم» و «ایران نوین» و از گشایش شنب آنها در شهرستانها و دهستانها و گوشه نمایندگان مستقل برای ورود بیکی از این دو حزب و تأمین کرسی خود در دوره آینده و همچنین از تأسیس حزب سومی مرکب از بعضی روشنفکران و ترفیخواهان، خبر میدهند. بهر حال نوطه انتخاباتی که هدف آن نقض بدیهی ترین حقوق ملی مابعد حق انتخاب مجلس یقیناً در صحنه ۷

### فتنه انگیزی بنام «انقلاب فرهنگی»

و برکناری جمعی از بانیان حزب و ارتش و ضرب و شتم و مسخ و قتل گروهی از رهبران و فعالین حزبی همراه با قیام بسیاری از سازمانهای حزبی و کارگران یک سلسله از شهرهای بزرگ چون منجر گردید. در جریان این مرحله علیرغم تلاشهای گروه مائو-لین بیائو مخالفت با اندیشه های «بیشوای کبیر» در حزب و سازمان های اتحادیه ها و سازمانهای جوانان و حتی در ارتش روز بروز شدت بیشتری بخود گرفت. به پایه های کیش شخصیت مائوتسه دون حزبیات در هم شکن وارد آمد. شعار های ضد شخص مائوتسه دون حتی در شهر یکن از میان توده تظاهر کنندگان برخاست و بزرمینه پلاکاتها و برخی روزنامه های دیواری نقش گردید.

بقیه در صفحه ۸

در همان حال که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت باگمهای استوار به بنجامین سالور فرخنده خود نزدیک میشود و احزاب مارکسیست - لنینیست با اتفاق تمام مردم ترفیخواه جهات برای برگزاری شکوهمند این روز بزرگ تاریخی تدارک نمیبینند، در جمهوری توده ای چین گروه بندی مائوتسه دون - لین بیائو ابتدال «انقلاب کبیر فرهنگی» خود را با شدتی بیش از پیش برجهانیان آشکار میسازند.

بانیان «انقلاب فرهنگی» مائوتسه دون کار ابتدال این «انقلاب» را بجائی رسانده اند که اکنون حتی دو آتشه ترین سرسزدگان یکن نیز از اعتراف آشکار به پیوند خود با آنان اکراه دارند و حالاً مجبورند برای ادامه فعالیت مخرب اشغالگرانه خود در داخل و خارج احزاب مارکسیست - لنینیست شیوه های استعمار شده جدیدی را بیازمایند.

### مرحله اول «انقلاب فرهنگی» و محتوی آن

مرحله اول «انقلاب فرهنگی» در سال ۱۹۶۶ در اثر شکستهای جلدی مشی عمومی طرفداران مائوتسه دون در زمینه سیاست داخلی و خارجی و بروز اختلافات شدید درون رهبری حزب کمونیست چین پس از بلغم یازدهم حزب تحت عنوان «مبارزه با مشی ارتجاعی بورژوازی» در داخل حزب و کشور پریا شد و سپس به دستگیری عده ای از رهبران حزب و دولت

هیئت تحریریه «مردم» بنامست روز ۱۴ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ازانی رهبر فقید زحماتکنان ایران، روز شهیدان جنبش توده ای بخاطره تابناک همه شهیدان راه آزادی دزود میفرستند.

# دستاویزی بنام مسئله خلیج فارس

خطر استعمار مصر این ناحیه را تهدید میکند و ثالثاً دولت ایران خواهان سعادت و استقلال شیخ نشینها است . عیار واقعی این سه ادعا را بررسی کنیم .

**آیا انگلستان در صدد تخلیه خلیج فارس است ؟**  
تخلیه کند . ولی تخلیه عدن بمعنی تخلیه خلیج فارس نیست . هدفهای استراتژیک انگلستان در خلیج فارس و منافع انحصار های نفتی در کشور های عربی و ایران امپریالیسم را وادار میسازد که بهر قیمتی که شده مواضع خود را در این منطقه حفظ نماید . اگر انگلستان زمانی پایگاههای سوئز و مومباس را از دست داد و ناگزیر به عدن عقب نشینی نمود ، اینک که پایگاه عدن را از دست میدهد ، ناگزیر به سنگر دیگر عقب نشینی خواهد کرد و بهیچوجه تمام مواضع خود را در این ناحیه از دست نخواهد داد .

انگلستان اکنون در صدد است بحرین و شیخ نشین شارجه را به پایگاه عمده نظامی خود در خاور میانه بدل سازد . دولت انگلستان در تعقیب همین نقشه در ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۶۶ . برای توسعه پایگاه نظامی خود در شارجه با شیخ خالد بن محمد القاسمی امیر شارجه قراردادی امضاء نمود و در مقابل کمکهای بلاعوض خود را بوی ۱۵ هزار لیره در سال به ۱۰۰ هزار لیره افزایش داد . در بحرین نیز در قبال توسعه بیشتر پایگاه نظامی دولت انگلستان ۵۰۰ هزار لیره در اختیار حاکم جزیره گذارد .

دولت انگلستان برای تحکیم موقعیت خود در خلیج فارس و بمنظور تقویت شیوخ این ناحیه در برابر نهضت آزادیبخش اقزاب در صدد ایجاد فدراسیونی از شیخ نشینهای این ناحیه برآمده است . این فدراسیون چیزی شبیه به فدراسیون شیخ نشینهای بخش جزیری شبه جزیره عربستان خواهد بود .

دولت انگلستان هم اکنون برای ایجاد فدراسیونی کوشش جدی بعمل میآورد . بر کمرانی شیخ سلطان بن صقر ، امیر شارجه در سال گذشته ، عزل شیخ شیخبوط حاکم ابو ظبی در چند ماه پیش مظاهری از اقدامات زیر پرده انگلستان در این زمینه بود . روزنامه اطلاعات که با اقدامات استعمارگرانه امپریالیسم انگلستان موافقت کامل دارد ، بمناسبت خلع شیخ شیخبوط از قول ناظران سیاسی نوشت : «این تغییر و تحول در هر حال مقدمه ای است بر تحولات بزرگتر در شیخ نشینهای خلیج فارس . . . امروز ابو ظبی در این راه گام برداشت و اگر لازم شود فردا تحت الحمایه دیگری باین راه گام برمیدارد . بهر حال برای مبارزه با خطر آینده باید جدی تر ، قاطع تر و کاردار تر از گذشته بود .»

باین ترتیب دولت انگلستان بهیچوجه در صدد تخلیه خلیج فارس نیست ، بلکه تحت فشار نیرو های آزادیبخش عربستان جنوبی ناگزیر شده است که پایگاه نظامی خود را از عدن به بحرین منتقل نماید . تخلیه عدن نه فقط باعث تضعیف نیرو های امپریالیستی در خلیج فارس نمیکردد ، بلکه با انتخاب بحرین بعنوان پایگاه عمده از لحاظ نظامی وضع مساعد تری برای خلیج فارس بوجود میآید .

جرج براون ، وزیر امور خارجه انگلستان طی سخنرانی خود در انجمن ایران در لندن توجه خاص دولت انگلستان را به خلیج فارس چنین بیان داشت : «هر چند تهددات دفاعی انگلستان در بسیاری از نقاط جهان رو بکاهش رفته ، خلیج فارس هنوز منطقه ای است که انگلستان برای حمایت از بعضی از کشورها در برابر تجاوز تهدداتی دارد . باین ترتیب تخلیه خلیج فارس و پیدایش خلاء در این ناحیه را باید بیشتر بعنوان آفاسه تلقی کرد .»

**خطر استعمار در کجاست ؟**  
دولت ایران مدعی است که مصر میخواهد شیخ نشینهای خلیج فارس را تحت تسلط خود درآورد و ساکنین این منطقه در معرض خطر استعمار مصر قرار

و بریتانیا در بسیاری از جهات در خلیج فارس منافع مشترک و مشابه دارند . واقعاً هم منافع مشترک ایران و امپریالیسم انگلیس یعنی چه ؟ اعتراف به هدفهای مکرمل ، و منافع مشترک و مشابه ، یک دولت عظیم امپریالیستی با یک دولت کوچک استعمار زده عیار واقعی ادعای دولت ایران را در حمایت از استقلال و پشتیبانی از منافع شیخ نشین های خلیج فارس بخوبی نشان میدهد . دولت ایران با این کامات در واقع پشتیبانی خود را از تسلط دول امپریالیستی و استعمار انحصار های نفتی اعلام میدارد .

مصاحبه شاه با اسر دبیر «سندی تایمز» سالوسی سیاست رژیم را در بنای طرفداری از استقلال شیخ نشینهای خلیج فارس یعنی بارز تری نشان میدهد . وی میگوید : «من امیدوارم که شما انگلیسی ها مادامی که ما و سایر کشور ها آماده پر کردن خلاءیی که با رفتن شما در خلیج فارس ایجاد میشود نشده ایم ، از این منطقه خارج نشوید . بی پرده تر از این نمیتوان از یک دولت امپریالیستی برای ادامه استعمار و نقض استقلال کشوری دعوت نمود . حال چگونه میتوان گفت که دولت ایران «خواهان سعادت و ترقی و استقلال شیخ نشینها میباشد»؟

هراس رژیم موجود ایران از توسعه مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع سائل عرب در صورت ایران بلندآوازه ای است که برای جلوگیری از حفظ ظاهر و پرده پوشی مقاصد سیاسی خود نیز قادر نیست .

**تضاد های موجود**  
عمده ترین تضاد موجود در خلیج فارس ، تضاد

میان امپریالیسم انگلستان و انحصارات جهانی نفت از یکسو و مردم استعمار زده و استثمار شده سواحل خلیج فارس ازسوی دیگر میباشد . جز این تضاد عمده ، تضاد های دیگری نیز وجود دارد که به نوبه خود شایان توجه است .

بطوریکه دیدیم انگلستان برای حفظ پایگاه های نظامی خود در بحرین و شارجه و برای حفظ منافع اقتصادی خود و بمنظور مقابله با نهضت استقلال طلب مردم شیخ نشینهای کناره خلیج در صدد ایجاد دولت متمرکز دست نشانده ای بشکل فدراسیون شیخ نشینها است . انگلستان در نظر دارد این فدراسیون را تحت نظارت و رهبری دولت دست نشانده عربستان سعودی قرار دهد ، تا بحدی وسیله با استفاده از قدرت نسبی عربستان سعودی حتی الامکان بدون دخالت مستقیم خود شیخ نشینها را زیر سیطره خود نگاهدارد . این میان امیر نشین کویت نیز که سلاطنت باد مدارس و بیمارستانها و با استفاده از قدرت مالی خود در صدد بسط نفوذ خود در شیخ نشینهاست ، به نقشه انگلستان روی خوش نشان نمیدهد . دولت ایران نیز که خود داعیه هائی بر سر دارد با عربستان سعودی رقابت میکنند و با تشکیل فدراسیونی از تمام شیخ نشینها و از جمله بحرین تحت نظارت و رهبری فیصل موقت ندارد . باینجهت نماینده ایران در سازمان ملل متحد اعلام داشت که : «هرگونه اقدامی در مورد بحرین نوعی دخالت در امور داخلی ایران محسوب میگردد . شاه نیز در مصاحبه خود با سردبیر «سندی تایمز» ضمن تأیید ضرورت ایجاد فدراسیونی از شیخ نشینها خواستار میشود که این فدراسیون نباید جزئی از طرح انگلستان باشد . در بازدید وی که سید عمر سقاف ، کفیل وزارت امور خارجه عربستان سعودی از ایران بعمل آورد ، مسائل مربوط به آینده شبه جزیره عربستان و شیخ نشینهای کناره خلیج فارس و تشکیل فدراسیون شیخ نشینها مورد مذاکره و بررسی قرار گرفت . ولی هیچگونه اطلاع رسمی و غیر رسمی از جریان مذاکرات و نتایج آن منتشر نگردید . روزنامه «گاردین» چاپ لندن در باره اختلافات موجود میان ایران و عربستان سعودی می نویسد : «فیصل خود را فرمائوری موروثی شبه جزیره العرب میدانند . شاه ایران خلیج فارس را جزئی از کشور خود می شمارد و دولت ایران ضمناً ادعای مالکیت بحرین و چند جزیره دیگر را نیز دارد . دولت ایران سعی دارد با طرح «مسئله» خلیج فارس محلهائی برای دخالت ایران در امور شیخ نشین ها پیدا کند . باین ترتیب کره دیگری از تضاد ها میان ایران و کویت و عربستان سعودی در خلیج فارس بوجود میآید .»

**آیا دولت ایران خواهان استقلال شیخ نشینهاست ؟**  
ادعای سوم رژیم نیز در مورد اینکه دولت ایران خواهان استقلال شیخ نشین های خلیج فارس است ، به آتش و دود میخورد . ولی دولت ایران و دولت انگلستان هر دو خود را صاحب هدفها و منافع مشترک و مشابه در خلیج فارس میدانند . جرج براون ، وزیر امور خارجه انگلستان میگوید : «ایران و انگلستان هدفهای مکرمل یکدیگر در خلیج فارس دارند ، و آقای عباس آرام ، سفیر جدید ایران در انگلستان به مخبر رادیو لندن میگوید : «ایران

# مسئله خلیج فارس

در میان خود شیخ نشین های این منطقه نیز اختلافات جدی وجود دارد. همانطور که در مورد فدراسیون شیخ نشین های عربستان جنوبی پیش آمد و از ۲۰ شیخ نشین آن ناحیه فقط ۱۶ شیخ نشین حاضر به تشکیل فدراسیون شدند، در ساحل شرقی شبه جزیره نیز همه شیخ نشین ها حاضر نباید فدراسیون تحت نظارت ملک فیصل نیستند. چنانکه چندماه پیش شیخ شخبوط که با عربستان سعودی بعثت ادعای ارضی طرفین سرخصومت دارد و به پیروی از رویه زریا بار وحدت با عربستان سعودی برود، با کودتایی از امارت معزول شد و برادرش شیخ زاید که تازه از انگلستان بازگشته بود، جای وی را گرفت.

میان ایران و کویت و عربستان سعودی و عراق اختلافات دیگری نیز بر سر منابع نفت آبهای خلیج فارس وجود دارد. ولی کوشش های این کشورها برای تعیین مرزهای زیر دریایی هر یک از این کشورها تاکنون به نتیجه نرسیده است.

نیام این تضادها و اختلافات حل مسئله وحدت شیخ نشین ها را با مشکلات و دشواریهای روبرو میسازد. پایتخت در راه ایجاد فدراسیون شیخ نشین ها تاکنون گام مشخصی برداشته نشده است.

از آنچه که گذشت بخوبی دیده میشود که نه خلیج فارس از طرف انگلستان تخایه میشود و نه خطر استعمار مصر

### مسئله خلیج فارس

شیخ نشین ها را تهدید میکند و میان مردم ایران و مردم مصر تضادی بر سر شیخ نشین های خلیج فارس وجود ندارد. اگر اختلافی وجود دارد، اختلاف میان دولت ایران و عربستان سعودی بر سر تسلط بر شیخ نشین ها و تعیین مرزهای زیرین منابع نفتی هر کشور است. در اینجا تضاد واقعی، تضاد میان نهضت آزادیبخش ملی عربی و رژیم های ارتجاعی طرفدار امپریالیسم در ایران و عربستان سعودی است. و این خود انعکاسی است از تضاد میان نهضت های آزادیبخش ملی و امپریالیسم.

دولت ایران از نزدیک شدت شمله مبارزات آزادیبخش ملل عربی با خلیج فارس که هر ساله هزاران ایرانی عرب برای کار و کسب معاش در سواحل آن رفت و آمد میکنند، در هراس است. دولت ایران برای جلوگیری از تأثیر این نهضت در جسد ایجاد حرم امنیتی از زنجیره شیخ نشین های ساحلی خلیج فارس میباید و برای اینکه نیروهای نظامی ایران را در خلیج فارس تقویت میکند و برای تقویت این نیروها هم بوم خارجی متوسل میگردد.

دولت انگلستان نیز که خود بعثت مشکلات مالی فراوان میکوشد بخشی از بار هزینه های استعماری خود را بدوش رژیم های ارتجاعی محلی بیاندازد

### درگذشت باغچه بان

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که اخیراً آقای جبار باغچه بان یکی از آموزگاران کهنسال و از خدمتگزاران فرهنگ ایران درگذشته است. باغچه بان نخستین بانی کردکستان (یا باصطلاح آن دوران «باغچه اطفال») در شهر تبریز است. پس از انتقال از تبریز به شیراز باغچه بان در این شهر نیز اولین کردکستان این شهر را دائر ساخت. باغچه بان بعدها به تهران آمد و در اینجا فعالیت پرثمر خود را برای ایجاد نخستین «دستان کر و لاله‌ها» و ارائه شیوه نوین تدریس اللبای فارسی آغاز کرد. باغچه بان پیوسته دارای افکار مترقی بود و در دوران اوج نهضت ملی شادروان باغچه بان با سازمانهایی مانند جمعیت حمایت از کودتک و «جمعیت مبارزه با بیسوادی» همکاری داشته است. معارف و روش های آزادیخواهی باغچه بان نام ویرا در نزد همه یهون پرستان ایرانی ارجحند میسازد و به خاطر آن آموزگار آزادیخواه درود میفرستیم و بازماندگان را تسلیت میگوئیم.

با تقویت مواضع دولت ایران در خلیج فارس بهزیرنه خود دولت ایران کهلا موافق است. شاه انگلستان تماماً میکند تا از خلیج فارس خارج نشوند. در بین حال دنس هیای وزیر دفاع انگلستان بعثت مشکلات ارزی کشور خود تهدید میکند که اگر در این راه کمکی بانگلستان نشود انگلستان «ناگزیر است بخاطر اجرای برنامه صرفهجویی خود از تمهیدات خود در خاورمیانه بکاهد». در اینجا سست که شاه به پیشواز انگلستان میبرد و برای کمک به سیاست استعماری انگلستان در خلیج فارس به همراه ملک فیصل به تقویت نیرو های نظامی خود در این منطقه میپردازد.

روزنامه اطلاعات در تفسیر اظهارات دنس هیای می نویسد: «بدین ترتیب تردینی نیست که دولت کارگری انگلیس در مناطقی آینده شروع به پیاده کردن طرح تقابل تمهیدات خارجی خود خواهد کرد. در این میان ایران و عربستان سعودی نیز با پیش بینی روزهای بحرانی آینده دست بیک ساسانه اقدامات احتیاطی زدند. ایران و عربستان سعودی تاکنون گلهای مؤثری در جهت دفاع از خلیج فارس برداشته اند و موقعیت دفاعی خود را نسبت بگذشته بسیار استحکام بخشیده اند.»

بندپی است که مردم ایران در خلیج فارس وظائف و منافع معینی دارند. وظیفه عمده ایران در این منطقه که در عین حال از منافع حیاتی آن ناشی میشود عبارتست از کمک به نهضت ضد استعماری مردم این منطقه. پشتیبانی مردم ایران از نهضت آزادیبخش ساکنین شیخ نشین ها همانند پشتیبانی از تمام نهضت های آزادیبخش دیگر، از لحاظ مضمون خود مبارزه ای است ضد امپریالیسم و بدافع آزادی و استقلال ایران. بنابر این منافع واقعی مردم ایران در این منطقه در تعادل مقابل اقدامات معادله حاکمه ایران قرار دارد.

ایران برای تأمین حقوق قانونی خود بر نفت و بهره برداری از منافع نفتی خود باید با کشورهای صاحب نفت خلیج فارس و سایر کشورهای نفتی برپایه مبارزه با انحصارات نفتی روابط نزدیک و همکاری صمیمانه برقرار سازد.

ایران در زمینه تعیین مرزهای زیر آبی کشور (فلات قاره) و تعیین حقوق حقه خود برپایه موازین حقوق بین الاملی باید بدون دخالت کشورهای امپریالیستی با همسایگان خود وارد مذاکره شود و براساس منافع متقابل و حق حاکمیت ملی اختلافات موجود را برطرف سازد.

ایران از نظر مناسبات اقتصادی روابط بازرگانی خود با کشورهای همسایه و از جمله با شیخ نشین های سواحل خلیج فارس دارای منافع معینی است که باید برپایه تساوی حقوق و مصالح اقتصادی کشور در تأمین آنها بکوشد.

هزاران نفر از ایرانیان ساکن سواحل جنوبی ایران در پی کار و در تلاش معاش بعثت نبودن قوانین و مقررات لازم بطور قاجاق بشیخ نشین ها مسافرت میکنند و در آنجا بعثت قانونی نبودن مسافرت و اقامت دچار پزیشانی میگردند و یا در راه در اثر حوادث و سهل انگاری ناخداایان و دلالان بهلاکت میروند. دولت ایران برای سروسامان دادن بوضع این عده از مردم ایران باید اقدامات لازم بعمل آورد.

خلاصه آنکه هیچکس مخالف آن نیست که منافع واقعی ایران در این منطقه از طرق معقول حفظ شود. البته برخی مخالف در کشورهای عربی گاه دعوی نادرستی در مورد خوزستان و خلیج فارس مطرح میکنند که هیچ مبنی برست ایرانی هرگز نمیتواند با آن سرسازگاری داشته باشد. ولی راه مبارزه با این تمایلات نادرست تکیه بر امپریالیسم است. آلت دست ری قرار گرفتن، بمقابله با جنبش ملی مترقی عرب شفافند و برپا کردن فتنه و فساد بین ایرانی و عربی نیست. بلکه راه آن اتخاذ سیاست مدبرانه، دوستی با جنبش ملی عرب، حل مسائل از طریق مذاکره و مسالمت آمیز است.

# تحریر برای پوشاندن يك سیاست ضد ملی

هفته نامه اکونومیست چاپ لندن در شماره ۱۴ - ۲۰ ژانویه ۱۹۶۷ مصاحبه خبرنگار خود را با شاه (هنگام اقامت شاه در وین) منتشر کرده که ترجمه آن در شماره ۲۵ دیماه ۱۳۴۵ روزنامه اطلاعات انتشار یافته است. خود این مصاحبه (که در باره موافقتنامه اخیر ایران و کنسرسيوم است) و همچنین نحوه ترجمه آن از چند نظر جالب است. نخست آنکه در ترجمه تحریف شده.

دوم اینکه چرا این تحریف صورت گرفته. سوم اینکه با توجه به اصل و علیرغم تحریف اعتراضاتی در باره ماهیت ضد ملی سیاست شاه از زبان خود او شنیده میشود.

موارد تحریف

خبرنگار اکونومیست پاسخ شاه را در مورد ارزیابی موافقتنامه چنین نقل میکند: «نکته مهم در مذاکرات ایران و کنسرسيوم توافق در باره چند مسئله اساسی بود. اول اینکه با افزایش تولید مخارج تولید شرکتهای نفتی تقلیل مییابد.» ولی وقتی خبرنگار میگوید: «این مسئله در تمام کشورهای صادق است.» شاه پاسخ میدهد: «بلی. اما مسئله دوم اینست که شرکتهای نفتی میزان تولید خود را در تنها کشوری از خاور میانه بالا میبرند که ثبات آن برایشان تضمین شده است. ثنق آنها هم در این است. آنها هم اینرا قبول کرده اند.» اطلاعات قسمت اخیر را چنین ترجمه کرده است: «بلی. اما مسئله دوم اینست که کمپانیهای نفتی فقط در آن دسته از کشورهای خاور میانه که ثبات آنها تضمین شده تولید را افزایش میدهند. ثنق آنها هم در اینست.» ثبات آن برایشان تضمین شده (یعنی برای شرکتهای نفتی) را به «ثبات آنها تضمین شده» (برای کمی معلوم نیست) تبدیل کرده است.

شاه به خبرنگار اکونومیست میگوید: «ما قلعه نظامی (باستون) این منطقه هستیم. شما (انگلیسها) در حال خارج شدن از خلیج هستید. بوجه نظامی ما ۲۰ درصد افزایش یافته است. ما باید این حقیقت را قبول کنیم که بوجه نظامی ما همچنان بهمین میزان افزایش خواهد یافت. هدفهای ما فقط دفاعی است. ما ترجیح میدهم این مطالب را صرف امور عمرانی کنیم. ولی با این ترتیب حد اقل کنسرسيوم و خود ما میتوانیم احساس

بطور کلی منافع ایران در خلیج فارس در آن جهت نیست که هیئت حاکمه امروز در آن گام نهاده است. منافع ملی ایران با منافع امپریالیسم و انحصار های نفتی هماهنگی ندارد و ایران نباید منافع خود را با منافع امپریالیستها و انحصارها درآمیزد. ولی رژیم کنونی برخلاف منافع ملی و مصالح اجتماعی ایران گام بر میدارد و ایران را به گردونه سیاست های استعماری دول امپریالیستی متعبد ساخته است.

بشود که شاه و خبرنگار «دوست» او این وابستگی و این سیاست ضد ملی را تشخیص داد. اطلاعات هم نخستین بار نیست که دست به تحریف میزند. این شیوه برای اطلاعات و همه جزایر درباری «عادی» شده است. دلیل آنهم اینست که سیاه را سفید نشان دادن فقط با تحریف، با دروغ و با «چشم بندی» امکان پذیر است.

م. نوشه





## فدراسیون سندیکائی ویت نام پرده از تبه کاریهای مخوف

## امپریالیستهای امریکا و مزدورانش در ویتنام بر میدارد

امپریالیستهای امریکا و چاکران و مزدوران آنها نه فقط با سرکوب جنبش رهایی بخش مردم ویتنام مرتکب فجیع ترین جنایات نسبت به حقوق انسانی و ملی میشوند بلکه برای پیش بردن مقاصد شوم خود دست به عملیات فسادکارانه ای میزنند که در تاریخ معاصر نظایر کمی داشته است. امپریالیستهای امریکا برای مستور ساختن این تبه کاریها و متهم کردن ارتش رهایی بخش تبلیغات اندکی براه نیاورده اند. بیانیه زیرین فدراسیون سندیکائی ویتنام در باره جنایات وحشیانه ای که امپریالیستهای امریکا و مزدوران «پاک یونگ هی» (کره جنوبی) علیه ویتنامیهای در دو بخش «سون تین» و «بین سون» واقع در ایالت «کوانگ ناگائی» در ویتنام جنوبی مرتکب شده اند، چهره ددمنش امپریالیسم را افشاء میکند. ما متن این بیانیه را برای آگاهی خوانندگان خود چاپ میکنیم و بنوبه خود بانگ خشمناک برخاش و اعتراض را بر ضد این ددمنشی بر میداریم و از مردم ایران میخواهیم که در این اعتراض با ما هماهنگی کنند. «مردم»

امپریالیستهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» بمنظور سرپوش شکستهای سنگینی که در راه اجرای نقشه «تحمیل مذاکره» و «سرکوب جنبش» متحمل شده اند اینک متجاوز از یکماه است نیروهای خویش را برای پاک کردن بخشهای «سون تین» و «بین سون» واقع در استان «کوانگ ناگائی» (ویتنام جنوبی) وارد یک سلسله عملیات فسادکارانه نموده اند و در این جریان دست بقتل عام مردم، نهب و انهدام روستا های بشمار زده اند.

در جریان این عملیات باصطلاح «پاک کردن» نیروهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» (کره جنوبی) بشیوه های جنگی و اشکال قتل عامی که بویژه بسیار ددمنشانه است متوسل شده اند. آنها اهالی را در منازل خویش زندانی کرده بضرط گلوله یا نارنجک بقتل رسانده اند و آنگاه برای از بین بردن اجساد و تبدیل آن به خاکستر خانه ها را طعمه آتش ساخته اند. آنها بروی دهقانانی که در مزارع بیکار مشغول بودند و یا در جادهها حرکت میکردند و همچنین بکودگانی که سرگرم تفریح و یا در کلاس مشغول تحصیل بوده اند تراندازی کردند. غالب قربانیان تیره روز، زنان، کودکان و دهقانان هستند. تعداد یشمارزی از خانوادهها تماماً کشتار شده اند. عمل وحشیانه تر آنکه زنان، بچگان، کودکان را در بناگاهها زندانی ساختند و بروی آنها نارنجکهای گاز سمی پرتاب کردند که موجب استفراغهایی خونی، بیرون آمدن چشم از حلقه و مرگ فوری شده است. آنها بچران و دختران نو سال چندان تجاوز میکنند تا بمرگ آنها

منجر شود. گاه پس از تجاوز بزنان آبیست با لگد بشکم آنها میزنند تا سقط جنین کنند. شکم زن آبیستی را که ابتدا مورد تجاوز قرار داده بودند دریندند، جنین را بیرون آورده و بسه قطعه کردند و سپس پستان و دست و پای قربانی را قطعه قطعه نموده دور ریختند. در مواردی باشکال فجیع و ناگفتنی دیگر زنان و دختران را بقتل میرسانند. آنها شکم زنان و کودکان متعددی را دریده جگر آنها را بیرون کشیده خورده اند و در همان حال از شادی نعره های غول آسائی میکشیدند و نیز گروهی کودکان را در آغوش مادرهایشان بقتل رسانده سپس سر بریده و سرها را در جعبه های پلاستیکی نهاده و گفتند که این بسته ها را به منازل خود خواهند فرستاد. صرفنظر از قتل عامهای تازه ای که توسط گروههای امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» در دو بخش «سون تین» و «بین سون» (ویتنام جنوبی) انجام گرفته آنها قریب به هزار نفر را بقتل رسانده، تعداد زیادی از روستاها را با خاک یکسان کرده، منازل مردم را به خاکستر تبدیل نموده اند.

بیرحمی ها و وحشیگریهایی که در این جنایات تازه انجام گرفته تاکنون بی نظیر بوده است. چهره کریمه امپریالیستهای امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» بشابه نابکار ترین جانان، بربر منشاءه ترین جلادان قرن ما کاملاً افشاء گردیده است. جنایاتی که آنها در «سون تین» و «بین سون» و نقاط دیگر ویتنام جنوبی مرتکب شده اند دلایل مبرهنی است بر این روش سیاسی آنها که از لحاظ قساوت بی نظیر است: «همه را بکشید! همه چیز را بسوزانید! همه جا را ویران کنید!» اینست آن سیاستی که علیه هموطنان ما در ویتنام جنوبی اجرا میکنند. این واقعیت نقاب از چهره زشت و ناهنجار امپریالیسم امریکا بر میدارند و ماهیت تجاوز کارانه اش را بیش از پیش برملا میکند و دغلبازی باصطلاح «گرایش بصلح» و یا «دست زدن بمناسکرات صلح» را که از ظریف امریکا نامید پوشاندن مقاصد تهاجمی در ویتنام جنوبی عنوان میگردد، فاش میسازد. این جنایات وحشیانه تشنجات مختصرانه ایست کنه امپریالیستهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» و سایر کسانی را که برای امریکائی ها کار میکنند در نتیجه یأس از تهاجم فرا گرفته است. جنایاتی که علیه هموطنان ما در «سون تین» و «بین سون» اعمال میشود آتش کینه را در طبقه کارگر و ملت ویتنام زنده نگه میدارد و واحد های تخاصم و اهالی «سون تین» و «بین سون» و همه مردم سرزمین ویتنام جنوبی در همین آتش دشمن را سوزانده اند و اکنون نیز میسوزانند و هزاران تن از آنان دین خود را با اثار خون در جریان بیکارهای اخیر

## گوانتنامه را

قطعه معروف گوانتنامه را ساخته شاعر، متفکر و نویسنده انقلابی و قهرمان معروف کوبانی خوزه مارتی است که در سال ۱۸۹۵ سرود شده است. خوزه مارتی از هفده سالگی وارد جنبش انقلابی شد و در اثر این فعالیت از کوبا تبعید گردید. سالیان دراز در مهاجرت و از آنجمله دوازده سال در شهر نیویورک بسر برد. در ۴۲ سالگی به کوبا بازگشت و در نبرد بر ضد امپریالیسم شرکت جست و هم در این نبرد کشته شد. خوزه مارتی قطعه گوانتنامه را را که معروفیت جهانی دارد در استان مرگ سروده است:

آزاده ای هستم از دیار نخلها

پیش از مرگ خواستم تا منظومه روان خود را

با همه کس تقسیم کنم.

شعرم گاه تیز ملایم است

و گاه ازغوانی شعله ور،

مانند آهوی زخم داری است

که به یسه انبوه پناه میبرد.

می خواهم سر نوشت خویش را

با همه بیوایان جهان تقسیم کنم.

من جویرهای کوهستانی را بیشتر دوست دارم

تا دریای غران پهناور را.

ادا کرده اند.

فدراسیون سندیکائی ویتنام خشم شدید خود را از جنایات وحشیانه ای که توسط راهزنهای امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» علیه مردم «سون تین» و «بین سون» و سرزمینهای دیگر ویتنام جنوبی اعمال میشود در آستان افکار عمومی جهانیان ابراز میدارد. فدراسیون سندیکائی ویتنام بنام طبقه کارگر و سازمان سندیکائی ویت نام اعلامیه فوری منتشره از طرف کمیته جبهه ملی آزادیبخش مرکز «ترونگ بو» و بیانیه مورخ ۴ - ۱ - ۶۷ وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک ویت نام در باره قتل عام اهالی «سون تین» و «بین سون» توسط راهزنهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» را کاملاً تأیید مینماید.

فدراسیون سندیکائی ویت نام از تمام کارگر، سازمانهای سندیکائی و از تمام ملت های شقیته آزادی و عدالت معجلا خواستار است تدابیر باز هم جدی تری برای متوقف کردن جنگ جنایتکارانه امپریالیسم متجاوز امریکا و جلوگیری از عملیات آدمکشی های ددمنشانه راهزنان امریکائی و دست نشاندهگان آنها در ویت نام جنوبی اتخاذ نمایند. طبقه کارگر و سازمان سندیکائی ویتنام بطور جدی اعلام میدارد امپریالیست های امریکائی و چاکران شان باید مسئولیت کامل جنایات و غرامات ناشیه از خساراتی را که بزندگی و اموال مردم وارد ساخته اند بر عهده گیرند، قتل عام اهالی باید بقوریت قطع گردد، جنگ تجاوز کارانه در ویتنام جنوبی فوراً خاتمه یابد، تمام نیروهای امریکائی و دست نشاندهگان از ویت نام جنوبی خارج شوند، حملات هوایی علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام بدون هیچگونه قید و شرطی کاملاً قطع گردد. و امر حل و فصل امور داخلی ویتنام جنوبی را با اهالی خود این ناحیه واگذارند. فدراسیون سندیکائی ویت نام از تمام

## نامه کمیته مرکزی حزب

## سوسیالیست کارگری مجارستان

بمناسبت تشکیل نهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام تهنیتی برای آن کنگره فرستاده بود و در آن ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی و تصریح وجود یو. اس. ای برادرانه میان دو حزب موفقیت کامل کار کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان برادر را خواستار شده بود. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در پاسخ پیام ما نامه زیر را ارسال داشته است:

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز! اجازه بدهید تشکرات گرم و برادرانه خود را بمناسبت پیامی که به نهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ارسال داشته اید ابراز داریم. همبستگی برادرانه ای که پیام شما از آن اشباع است پیوند های میان دو حزب ما را بیش از پیش تحکیم میکند و در مبارزه برای ساختن کامل سوسیالیسم و تقویت جنبش جهانی کمونیستی بما نیرو می بخشد.

رفقای عزیز! خواهشمندیم درودهای برادرانه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

کادرها، کارگران و کارمندان خواستار است ستم و اهانتی را که بعلمت ویت نام روا میشود از یاد نبرند، بکوشش خود در کار بیافزایند و امر حمایت از تولید را کاملاً بانه تأمین کنند، مبارزه را تا پیروزی ادامه دهند و اتحاد خود را با اهالی «سون تین» و «بین سون» و سراسر کشور تأمین نمایند. برای بازداشتن دستان خونین راهزنان متجاوز امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» و دیگر چاکران ایالات متحده امریکا عزم خود را جزم کنیم! برای شکست امپریالیستهای متجاوز امریکائی و بمنظور رهایی جنوب و دفاع از شمال و اتحاد سراسر کشور مصممانه عمل نمائیم!

امپریالیستهای امریکائی بدون تردید شکست خواهند خورد.

پیروزی از آن مردم ویت نام است.

هائوی ۵ ژانویه ۱۹۶۷

بقیه از صفحه ۱

# درباره انتخابات و مبارزه انتخاباتی

شورای ملی است چیده میشود و بار دیگر اصل دوم قانون اساسی که در آن مجلس شورای ملی بعنوان نماینده قاطبه اهالی و مظهر مشارکت آنها در امور معاشی و سیاسی وطن خود تصریح گردیده، پایمال میگردد. استناداران فرمانداران و بخشداران و مأمورین ثبت اسناد و احوال یعنی کارمندان محکوم بحکم دولت مسئول ساختن انجمن های دلخواه انتخاباتی و صدور کارت الکترال و فراهم آوردن مقدمات معدوم برای تأمین انتخاب نامزد های شاه فرموده میگرددند و کارگردانان و احزاب و دستوری مردم و ایران نوین و شاید هم حزب سومی که نشانه « آزادی احزاب » باشد در اجرای مویات « دموکراتیک » شاه به مبارزه انتخاباتی « میپردازند. هدف آنها از یکطرف پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق مردم و از طرف دیگر رنگ و آب دموکراسی دادن بسویاه کاری شاه و حکومت او و گمراه کردن افکار عمومی جهت است « طبق سرشماری تازه جمعیت ایران را بیش از ۲۵ میلیون نفر اعلام کردهاند و این بار بر اساس هر صد هزار نفر یک نماینده ۲۶۰ نفر را بمجلس خواهند فرستاد. جالب توجه است ۴۵ سربازان و ژاندارها و پاسپانها را که در سرشماری بحساب آمدهاند برای تعیین تعداد و کلا هم بحساب می آورند ولی هنگام رای دادن دستوری آنها را از دادن رای محروم میکنند. قبلاً انتخابات دوره بیست و یکم مدتها بعد از اینکه میخواستند قانون انتخابات را تغییر دهند و قانون نو و دموکراتیکی بیاورند. دوره فترت را بر خلاف نص صریح قانون اساسی که میگوید « شرطیت جزء و کلا تعطیل بردار نیست » برداراز گذاشتند و پس از چندی گفتند که در غیاب مجلس نمیتوان قانون را تغییر داد. سپس گفتگوی تنظیم آئین نامه جدید بنیاد آمد.

این نامه جدید آئین نامه نوشته شد و تهیه مقدمات اجرای آنهم باز مدتی دراز طول کشید. این آئین نامه نو که شامل ۳۲ ماده است منحصرأ مربوط به تهیه دفاتر و بخش کارتهای انتخاباتی (الکترال) و برگهای مخصوص نوشتن رای است. بجای ترفه انتخاباتی که سابقاً هنگام دادن رای بر اساس شتاب صادر میشد کارت انتخاباتی و ورقه مخصوص رای را قوی از انتخابات صادر و بخش میکنند و دستگاهی که این کار را اداره میکند عبارت از کمیسیونهائی است مرکب از نماینده ثبت احوال و دو نفر مومتم با سواد بانقلاب فرماندار و بخشدار که نام واجدین شرایط را در دفاتر ثبت میکنند و بانها کارت انتخاباتی و ورقه مخصوص رای میدهند. تمام اسناد و اوراق مربوطه در اختیار اداره ثبت احوال هر محل است یعنی در اختیار اداره ای است که عدالتا لوزم شناسنامه تقابلی را در اختیار و کلاهی بی سوکل برای سوء استفاده در انتخابات میگذاشت. میتوان گفت که در یک سیستم انتخاباتی دموکراتیک استفاده از کارت انتخاباتی تسریع و نظم کار کمک میکند ولی در کشور ما که کار از پایه و بنیان برتقلب است چه مانعی دارد که بجای صدور هزاران شناسنامه تقابلی کارت انتخاباتی تقابلی صادر و از آنها سوء استفاده کنند. در اطراف این آئین نامه آنقدر هیاهو و جنجال کردند که گوئی دیگر مشکل انتخابات حل شده و با این کارت معجزه آسا جلو هرگونه تقلبی چه تقلب شاه در تعیین نمایندگان و چه تمویض صندوقها و دخالت مأموران سازمان امنیت گرفته خواهد شد و نمایندگان واقعی مردم خود بخود بمجلس خواهند رفت. در اینکه قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۲۹ قمری ناقص است تردیدی نیست و باید آبر اصلاح کرد. اما این اصلاحات که باید در جهت تأمین کامل آزادی انتخابات، تضمین صحت جریان انتخابات و جلوگیری از نفوذ قوه مجریه و انواع تقلبات بعمل آید « هیچگاه مورد توجه شاه و حکومتهای مخلوق او نبوده است. آنها همیشه بیک نکته توجه داشتهاند و آن اینست که

# فتنه انگیزی بنام «انقلاب فرهنگی»

در اینهنگام اتوبوسهای حامل زنان و کودکان به فرودگاه رسیدند « فرهنگیان » نخست بدنه اتوبوسها را با شعارهای ضد شوروی رنگ کردند و سپس بیکی از اتوبوسها ریختند و تهدید کتان به تفتیش زنان و کودکان پرداختند.

دبیلانتهای کشور های سوسیالیستی برای دفاع از زنان و کودکان دستها را بهم حانته کردند و کربندور دفاعی تشکیل دادند تا آنها از آن بگذرند. ولی کارکنان فرودگاه عمداً تشریفات را طولانی میکردند و زنان و کودکان را مجبور میساختند در میان جمعیت تنانگسختی از یک طرف فرودگاه بطرف دیگر بروند. هنگام عبور آنان افراد « گارد سرخ » مشتتهای گروه کرده تحویل اطفال و زنان میدادند و نمره زنان بصورت آنها تف میبنداختند و این وحشیگریها را با ضربات لگد تکمیل میکردند. در این جریان یکی از افراد روز دیگر محرکین « فرهنگی » اعمال خود را از سر گرفتند « نخست جاوی در ورودی فرودگاه صف کشیدند و وقتی زنان و کودکان از اتوبوسها خارج شدند دسته بزرگی از افراد « گارد سرخ » به دبیلانتهای محافظ زنان و کودکان حمله ور شدند و با حالتی جون آمیز لباس را بر تن افراد پاره میکردند و بانها لگد میزدند. وقتی زنان و کودکان از پلکان

بنیان دموکراسی است پرهیز دارد. در فرهنگ شاه آزادی انتخاباتی که مستلزم آزادی احزاب « آزادی اجتماعات، آزادی تبلیغات و آزادی جرائد است وجود ندارد. شاه بخوبی میدانند که محور اصلی دموکراسی کجاست و چون اصلاً به آزادی معتقد نیست و از آن بیم دارد فقط وقت برای گول زدن مردم ایران و جهان بعنوان ضرورت زمان « پرچم اصلاحاتی را که تنها صوری هستند و لطمه های بقدرت مطلقه او نمیزند مانند تمام بزید بدست میگیرد و در کتاب خود سخن سرائی میکند. شاه براساس این اصلاحات مجلس گذشته را نماینده کارگر و کشاورز میدانند در حالیکه اکثر آنها یا از مأمورین سازمان امنیت و نوکران شخصی او هستند و یا از همان مالکان و وابستگان بمنافع خارجی و اما باید گفت استمداد شاه در بیان دروغ و دیباکاری و عوامفریبی بعد نیوغ رسیده است.

اصلاح در قانون اصلاحات در سیستم انتخاباتی انتخابات ضرور ایران باید بر اساس است نکات ذیل انجام گیرد:

- ۱ - تأمین آزادی احزاب اجتماعات، مطبوعات و آزادی استفاده دموکراتیک از تمام وسائل تبلیغاتی از قبیل رادیو و تلویزیون و غیره.
- ۲ - آزادی سندیکائی و صنفی و سازمانهای توده ای در شهرها و دهات و کارخانهها و دانشگاهها.
- ۳ - تأمین نظارت گروههای انتخاباتی و کنترل مردم بر جریان انتخابات.
- ۴ - دادن حق شرکت در رای بکلیه افراد کشور از کشوری و لشکری چه در داخل و چه در خارج کشور.
- ۵ - تقسیم کرسیهای نمایندگی بنسبت آراء احزاب و جمعیت هائی که در انتخابات شرکت میکنند. پدیدهی است که دادن کارت انتخاباتی و انجام سریع انتخابات در شرایطی که بجای دخالت دولت و قوه مجریه مردم خود دخالت داشته باشند بشرطی که اصول پنجگانه فوق مراعات شود در حسن جریان کار تأثیر مثبت دارد. اما در کشوری که قدرت واقعی در دست شاه ارتش و پلیس و سازمان امنیت است جای بحث در چگونگی یک سیستم انتخاباتی دموکراتیک نیست.

بقیه در صفحه ۵

هوایما بالا میرفتند آنها را هل میدادند و به پائین میبانداختند. یکی از دبیلانتهای شوروی را گرفتند و با رفتاری اهانت آمیز او را جلو عکس مائوتسه دون قرار دادند. همین رفتار را هم با یکی از کارکنان سفارت جمهوری دموکراتیک آلمان کردند. مشابهین زنان و کودکان شوروی فقط در ساعت های آخر شب توانستند به سفارت مراجعت کنند. در این ماجری سفیر فرانسه هم بدست مهاجمین نقش زمین شد و کاردار سفارت انگلستان نیز از آسیب آنان مصون نماند.

## رفتار « انقلابیون » گارد سرخ با کسانی که به خلق و بیتنام کمک میکنند

رفتار عناصر « گارد سرخ » با گروهی از کارشناسان شوروی نیز که از مأموریت به بیتنام باز میگشتند شتمناز آور بود هنگامیکه این کارشناسان باتفاق کارکنان سفارت و وابسته نظامی اتحاد شوروی با اتوبوس میرفتند « فرهنگیان » با اتوبوس آنها حمله ور شدند و آنها را تف باران کردند و خمیر چسبناک بصورتشان پرتاب نمودند. بعدها « خمیانگر » اتوبوس را محاصره کردند و باد چرخها را خالی کردند. عملیات « فرهنگی » تف باران و غریبه جوئی و پرتاب خمیر چسبناک چند ساعت بطول انجامید. کارشناسان شوروی که « کنهانشان » کمک به مبارزه خلق قهرمان و بیتنام علیه تجاوز امریکا بود نه تنها در یکن بلکه هنگام عبور از سراسر خاک چین بهمین طریق مورد استقبال « فرهنگیان » « گارد سرخ » قرار گرفتند. دبیلانتهای شوروی در تمام این دوران بر خطر بصندوق همگان خونسردی و پایداری قابل تحسینی از خود نشان دادند و بدینسان نقشه گروه مائولین بیانو را که میخواستند دولت شوروی را به قطع روابط سیاسی با چین وادار سازند عقیم گذاشتند. اینها فقط چند نمونه از فجایع پائینان و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری « است. نکته جالب توجه اینست که در جریان این عملیات روزنامه ها و رادیوهای چین تقبیح تجاوز امریکا به بیتنام و پشتیبانی از بیکار خلق قهرمان و بیتنام را در مقالات و برننامه های خود کنار گذاشتند و تمام هم خود را به تشدید هیستری ضد شوروی مصروف داشتند.

## در پس پرده هیستری ضد شوروی

البته بر کسی پوشیده نیست که در پس پرده این هیستری ضد شوروی مبارزه بر سر قدرت نهفته است. کار این مبارزه تاکنون به بر کناری و حبس و زجر شکنجه و خودکشی، عده زیادی از رهبران برجسته انقلاب چین انجامیده است. علیرغم بیدادگری های واحد های « گارد سرخ » و « خمیانگران » طبقه کارگر و توده های بزرگ مردم چین از مقاومت علیه گروه بندی مائولین بیانو باز نمیایستند. بدستور مائوتسه دون بسیاری از سازمانهای حزبی منحل شده و با اقدامات جدیدی که انجام میگردد تمام حزب کمونیست چین را خطر انحلال تهدید میکند. این ریشخند تاریخ است که کسانی که زمانی خود را چنان انقلابیون دو آتشه جاوه گر میساختند که حتی با طرح حزب عموم خلق سخت مخالفت میکردند اکنون بکمک غناخیز پرولتری و گروههای آشوبگر به انحلال حزب طبقه کارگر چین منهدم میروند. مارکسیست-لنینیست های تمام جهانی از جریان اسف انگیزی که در چین میگذرد بدشت نگراند. اعمال ماجراجویانه گروه مائولین بیانو علاوه بر آنکه نام نیک خلق کبیر چین را که دار میسازد بسود امپریالیسم و ارتجاع جهانی نیز تمام میشود. مارکسیست-لنینیستها به خلق چین و بهبازرات انقلابی پر افتخار آن احترام عمیق میکنند و از صمیم قلب آرزومندند در مبارزه کنونی سر انجام مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بسر و جرات دگماتیک ماجراجوئی و بر تمایلات شوینیستی فائق آید. پ. بیکار

